

نهاده بود فرمود که بار خدا یا کسی بفرست که ترا دوست  
 و تو او را دوست داری تا این مرغ با او بخویم پس در حال  
 امیرالمومنین علی درآمد و با هم بخوردند **دیگر نقلت** که روزی  
 غاز بود در ویشی پیامد پس در کعبه اشاره فرمود که تا در پیش  
 انگشترین از انگشتر او بگذازد پس در ویش فهم کرد و بند  
 آورد پس چون بیرون میرفت از مسجد و حضه رساله نیا  
 صلوات الله علیه بر سید میرفت آثار شادی در روی در ویش دید  
 بر سید که ترا چه رسیده گفت آن جوان فریسی در غار انگشتر  
 خود پنهان دارد و من عظیم محتاج بودم و خرمی من از آنست  
 عاقل انجا بآباد باش که سلطان و ملک هم از نبلی حضه در ویش  
 آنچه در میشود از پرتوان قلب سیاه کمیاب است که در صبح در ویش  
 کعبه فاروق که فرومی برد از مهر منور شمه از اثر همت در ویش  
 جبهه یخت که دلمی برد از شاه و کدرا منظرش آینه طلعت در ویش  
 حافظ از آب حیات ابدی میخواهی **نقبش حال** در خلوه در ویش  
 پیش در ویش ذکرش بود و این فاش موهم نهادند پس انگشتر

در پیش نانوایی بُرد و آن نانوایهود بود گفت این انگشترین  
 بکیر و مرانان بده پس یهود گفت من بیایم انگشترین نان  
 میدهم پس در ویش صادق گفت بده پس انگشترین در کعبه  
 نهاد و هر چند نان که در گمان او بود در کعبه دیگر نهاد فرود  
 نی آمد پس آن جهود بچود شد و بر مسجد بگذاشت و بد  
 امیرالمومنین علی کرم الله مسلان شد و هفتاد تن دیگر از  
 قوم آن جهود مسلمان شدند بیکه نیت خالص و ولایت  
 امیرالمومنین علی کرم الله وجهه **دیگر** فرموده صلوات الله  
 که آیت انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الذین آمنوا  
 در شان علی بوده رضی الله عنه و فرود آمده **دیگر** فرموده  
 که من فرودا در چند خیبر علم بدست کسی دهم که خدایا  
 دوست و خدای تعالی او را هم دوست دارد و این قلعه مستحکم  
 آن شام الله بر بامداد فرمود که علی کجاست گفتند او را در  
 چشم میکند پس فرود او را بطلبید و چون پیامد او را  
 آب دهان مبارک خود در چشم او کرد بکلی صحت یافت پس علم

در پیش